

تریون

چرا تریون؟

بدنبال نسل کشی وحشیانه اسرائیل و متحدان غربیش، در راس آن آمریکا، در غزه و خطر گسترش جنگ و ویرانی در منطقه و احتمال حمله نظامی به ایران و شکاف عمیق و گسترده ای که در جهان در واکنش به اوضاع منطقه و جهان شکل گرفته و برخورد جنبش چپ، کارگری و کمونیستی به این رویدادهای عظیم تاریخی، مبرم دیدیم که با انتشار نشریه "تریون" با اتکا به دستاوردهای تئوریک جنبش کمونیسم کارگری منصور حکمت دخالت نظری فعالی در سیر اوضاع خظیر جهانی و شرایط حساس ایران با ارائه تحلیل و راه حل‌های کمونیستی و کارگری داشته باشیم.

شورای دبیری:

هما ارجمند،

جلیل بهروزی،

سوسن لاری،

آذر ماجدی

در دفاع از مردم فلسطین و در محکومیت نسل کشی متحد شویم!

سخنرانی آذر ماجدی در کنفرانس، نسل کشی در غزه،

جنبش حق زن کجا می ایستد؟

در شرایط دهشتناکی زندگی می کنیم. برای اولین بار در تاریخ، بقول بلنا نی هارلی، وکیل ایرلندی، بشریت دارد یک نسل کشی را بشکل زنده بر روی تلفن و تلویزیون های خود نظاره می کند؛ تصاویری که توسط قربانیان فیلمبرداری شده است. این دنیایی است که در آن زندگی می کنیم. دنیا همه ما را به عمل فرا می خواند؛ سکوت را باید شکست. در کنار قربانیان باید ایستاد و متجاوزین را قویا محکوم کرد.

169 روز قتل عام، شکنجه و گرسنگی. 33 هزار نفر به قتل رسیده اند، شامل 13 هزار کودک؛ بسیاری مجروح، معلول و ناپدید شده اند. تمام شهرها، ساختارهای شهری و زندگی، مدارس و دانشگاه ها و بیمارستان ها بمباران و با خاک یکسان شده اند. ارتش اسرائیل در همین چندروزه به بیمارستان الشفا، بزرگترین مرکز درمانی غزه، حمله کرد. بیمارستان را کاملا ویران، بسیاری را به قتل رساند، و عده ای را دستگیر و شکنجه و اعدام نمود.

علیرغم تمام پروپاگاندا و دروغ ها، صرفنظر از اینکه چه روایتی از 7 اکتبر را پذیرفته باشید، باید اعلام کرد که این جنگ 7 اکتبر آغاز نشد. 75 سال پیش شروع شد. از اینروست که آن را نکیه دوم نامیده اند.

تاکنون همه باید متوجه شده باشند که این فقط جنگ اسرائیل نیست؛ جنگ اسرائیل، آمریکا و غرب علیه فلسطینی ها و برای نابودی گسترده تر منطقه است. بدون حمایت آمریکا، اسرائیل قادر نیست یک روز به این جنگ ادامه دهد. و هنوز هیچ پایانی بر این کشتار و ویرانی منصور نیست. بنظر می رسد که جنگ در حال گسترش در منطقه است. تمام دولت های منطقه در این نسل کشی سهیم اند. لفاظی های بی مایه و ژست های سینمایی در دفاع از آتش بس، فقط مصرف داخلی دارد؛ برای مقابله با خشم مردم شان است. از همه مضحک تر شاه اردن بود که از هواپیما بر سر مردم غزه کمک پرتاب می کرد. دنیای واقعی را با هالیوود عوضی گرفته اند.

در شرایط هولناکی زندگی می کنیم. سیاست های دست راستی سریعاً تصویب و حاکم می شوند. دولت های غرب آزادی بیان و آزادی های سیاسی و حق ابراز نظر مخالف و اعتراض را سلب می کنند.

دوران تاریکی است، اما نور را نیز می توان دید. نور انسانیت، عشق به هم نوع و عدالت. میلیون ها نفر در سراسر جهان به خیابان ها آمده اند تا حمایت و همبستگی خود را به مردم فلسطین و خشم و انزجار خود را به اسرائیل، آمریکا و حکومت های غربی ابراز کنند. این به زندگی معنا می بخشد. همانگونه که رفعت العرعیر، شاعر فلسطینی، قبل از مرگش در این شعر تاریخی گفت:

"اگر قرار است بمیرم

بگذار امید بیاورد

بگذار یک قصه باشد."

این تراژدی انسانی به یک جنبش امید بخش وسیع جهانی دامن زده است. این نسل کشی چشمان بسیاری را گشوده و موجب هشیاری و آگاهی میلیون ها نفر شده است. نقاب های پروپاگاندای دروغ و ریا دریده شده است. مردم وارد میدان شده اند و برای انسانیت، عدالت و آزادی مبارزه می کنند.

بگذار آزادی بیاورد؛ بگذار برابری بیاورد، بگذار تاریخ بسازد.



به صف قدرتمند دانشجویان و جوان در امریکا برعلیه نسل کشی در غزه و گسترش جنگ در خاورمیانه پیوندیم!

جنبش جهانی بشریت آزادیخواه، عدالت جو و انسان دوست از آغاز حمله گسترده ماشین جنگی اسرائیل به مردم بیدفاع غزه یک دم در دفاع از حقوق انسانی این مردم از پای ننشست و امروز دانشجویان در امریکا با پیوستن گسترده و ملیتانت ضمن تداوم قدرتمند این جنبش نه تنها عرصه جدیدی را علیه حکومت نژادپرست اسرائیل و متحدین آن به رهبری دولت تروریست امریکا گشوده اند، بلکه ضدیت با جنگ طلبی و تحمیل ویرانها گسترده به کل خاورمیانه را هم بر اهداف خود افزوده اند. تا امروز دانشجویان بیش از چهل دانشگاه و موسسه عالی در امریکا و در راس آن دانشگاه کلمبیا با ایجاد صحنه های پرشوری از تظاهراتها و بست نشستن های هر روزه ضمن ایجاد همبستگی محکم با جنبش ضد نسل کشی توانستند کل حاکمیت امریکا و دموکراسی آن را به جدال بکشند و بر خلاف پروپاگاندای حکومتی و مدیای مزدور که هر روز با زدن بر طبل انگ زندهای کریه و با منصوب کردن دانشجویان به ضد یهودیت میکوشند در صفوف دانشجویان تزلزل ایجاد کنند این جنبش قدرتمندتر و بشاش تر به پیش میرود تا جایی که این بار دموکراسی پوسیده حاکمیت امریکا و رییس جمهورش که به "جو جنساید" هم معروف شد پلیس و نیروهای ضد شورش را بجان دانشجویان مبارز انداخته اند به امید آن که با ضرب و شتم و به بند کشیدن رهبران این جنبش و جوانان مبارز بتوانند مهر پایانی بر جنبش ضد نسل کشی و ضد جنگ بزنند.

اما موج این جنبش قدرتمند نه تنها سر باز ایستادن ندارد بلکه دامنه به کانادا و اروپا، بطور مشخص به فرانسه هم کشیده است ضمن آنکه صدها استاد، محقق و کارکنان اداری دانشگاهها هم به آنان پیوسته اند.

رهبران و سازماندهندگان این جنبش در دفاع از حقانیت اعتراضات و مبارزات جاری، خود را به تاریخ مبارزات ضد جنگ ویتنام مرتبط کرده و تبلیغات علیه خود را همچون تبلیغات حاکمان وقت به معترضین ضد جنگ آن زمان که آنها را طرفداران ویت کنگ ها و کمونیستها میخوانند پوچ و بی اعتبار میدانند.

در همین جا از همه انسانهای آزادیخواه و عدالت جو در سراسر دنیا می خواهیم به جنبش بشریت مترقی و مبارزات قدرتمند دانشجویان در امریکا پیوندند تا به نسل کشی مردم غزه و همه تلاشهایی که در جهت جنگ افروزی در خاورمیانه صورت میگیرد پایان داده شود.



در آستانه 8 مارس

نامه سرگشاده به زنان و مردان آزاده و انقلابی!

کجا می ایستیم، در کنار مردم غزه یا نسل کشی اسرائیل در غزه؟



تظاهرات در لندن علیه دولت اسرائیل و حامیانش، در دفاع از مردم فلسطین

جنایت و سرکوب و برای عدالت می جنگد، با حرارت جنایات و نسل کشی در غزه را محکوم کند و در کنار مردم غزه بایستد.

طنز تلخی است، ولی، بنظر می رسد که این فعالین و جنبش آزادیخواهی در ایران روایت کذب و دروغ اسرائیل و تروریسم دولتی و همچنین رژیم اسلامی و تروریسم اسلامی را پذیرفته است. این جنگ اسرائیل با حماس نیست. این نسل کشی و قتل عام اسرائیل در غزه است که تحت نام جنگ اسرائیل با حماس فرموله شده است. رژیم اسلامی مدافع مردم غزه یا فلسطین نیست؛ خود مهره ای در گسترش جنگ و جنایت در منطقه است. بیش از دو دهه است که تروریسم دولتی همراه جنبش دست ساز خود، تروریسم اسلامی، منطقه را به ویرانی و نابودی کشانده است. نبرد ما با هر دو قطب است. سکوت ما بنفع این دو قدرت شیطانی و ویرانگر تمام خواهد شد.

سکوت ما نه فقط به نفع اسرائیل، آمریکا و غرب در گسترش ویرانی و کشتار است، بلکه عملاً در خدمت رژیم اسلامی، حماس و جنبش اسلامی نیز هست. ما باید هر دو قطب را و نقش ویرانگرشان را افشاء کنیم. باید نشان دهیم که جنبش اسلامی هیچ ربطی به عدالت و آزادی و حقوق انسانی ندارد. اسرائیل و دولت های غربی اکنون نزد جهانیان افشاء شده اند. ماسک ریا و دروغ شان دریده شده است. باید به جهانیان نشان دهیم که قطب مقابل نیز نه تنها در ویرانی و جنایت سهیم است، بلکه عملاً در دست قطب دیگر بازی می کند.

به میدان آمدن ما در حمایت از مردم فلسطین و در محکومیت جنایات اسرائیل و آمریکا عملاً به جبهه ای علیه رژیم اسلامی بدل خواهد شد. حضور ما در جنبش جهانی در حمایت از مردم فلسطین و محکومیت اسرائیل به ما امکان می دهد تا رژیم اسلامی را در منطقه افشاء کنیم. دشمنان مردم را به آنها بشناسانیم. از آنسوی، سکوت و بی تحرکی ما به دروغ های رژیم اسلامی درباره جنبش عظیم آزادیخواهان و انقلابی ما اعتبار می بخشد.

افشای روایت و دروغ های رژیم اسلامی عرصه دیگری را علیه جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی می گشاید. جبهه ای که برای رسیدن به اهداف انقلابی و آزادیخواهان خود نه تنها مرز نمی شناسد بلکه هیچ تمایزی بین مبارزه خود علیه حکومت سرکوبگر و مذهبی در ایران و حکومت مذهبی و نژادپرست اسرائیل قایل نیست. جنبش برابری زنان در ایران، جنبش کارگری و محرومان در ایران میتواند و باید صدای رسایی علیه قتل عام و نسل کشی مردم فلسطین باشد.

هما ارجمند مسئول کمپین بین المللی علیه دادگاههای اسلامی در کانادا
آذر ماجدی رئیس سازمان آزادی زن

جنبش آزادیخواه و انقلابی مردم ایران در سال گذشته تحسین و همبستگی بشریت آزادیخواه و انساندوست در سراسر جهان را برانگیخت. جنبشی که علیه ارتجاع، نابرابری، سرکوب و اختناق، قدرتمند به میدان آمد. حضور فعال و جهت دهنده جنبش آزادی زن، دنیا و بویژه، خاورمیانه را تکان داد. نوید آزادی زن از آپارتاید جنسی و نظام ضد زن اسلامی قلب ها را گرما بخشید. این جنبش در تاریخ ثبت خواهد شد.

اینجا سخن ما با زنان و مردان شجاع و انقلابی است که آن صحنه های پرشکوه و افتخار را آفریدند. دنیا به ما نیازمند است.

زنان و مردانی که ستونهای پوسیده رژیم اسلامی را لرزاندید و این حکومت ارتجاعی و مذهبی را تا چند قدمی سقوط بردید! شما با شعارها و مطالبات انقلابی و رهایی بخش، با تظاهرات پرشور و بعضاً با جنگ خیابانی در مقابل یک رژیم جلاد و تا دندان مسلح ایستادید و موج میلیونی همدلی و حمایت بشریت آزادیخواه و انساندوست جهان را جلب کردید. مردم مبارز و عدالت خواه دنیا از شما آموختند و به تحسین شما برآمدند. در این جنگ نابرابر تلفات بسیار دادیم. بسیاری را به بند کشیدند، شکنجه کردند، کشتند و اعدام کردند. این جنگ نابرابر کماکان ادامه دارد.

و اما امروز یک رسالت دیگر در برابر ماست. ما در یک لحظه تاریخی قرار داریم؛ بر سر دوراهی دفاع از بشریت و جامعه انسانی یا نابودی کامل وجدان انسانی. دنیا نظاره گر یک نسل کشی است. دولت اسرائیل با همکاری و حمایت کامل آمریکا و دولت های غربی یک نسل کشی و پاکسازی کامل انسانی را در غزه به پیش می برد. ما باید به دنیا اعلام کنیم که در کنار انسانیت و عدالت می ایستیم. در چنین لحظه ای نمی توان و نباید سکوت کرد.

مردم بی دفاع غزه بیش از چهار ماه است که از طریق بمبارانهای ارتش نژادپرست اسرائیل قتل عام میشوند. تا کنون بیش از 30 هزار نفر کشته شده که 14 هزار نفر آن کودکانند. مردم بی دفاع غزه هر روز آواره و گرسنه و زخمی از یک گوشه غزه به گوشه دیگر گسیل میشوند. ماشین جنگی اسرائیل با حمایتهای بیدریغ و همجانیه دولتهای غربی به رهبری دولت آمریکا یک دم از حرکت باز نایستاده است. نسل کشی آشکار تا بدانجا کشیده که حتی بودجه آژانس امداد رسانی و کار یابی به فلسطینی های وابسته به سازمان ملل را به بهانه های واهی قطع کرده اند. یعنی همان مقدار ناچیز مواد غذایی، امکانات درمانی و بهداشتی، آب و غیره را با بی رحمی تمام از کودک و سالمند، زخمی و معلول بردند. اینها مصمم اند کل غزه را از وجود فلسطینی ها پاک کنند.

نقطه مثبت و امیدبخش در این میان واکنش دنیای متمدن، بشریت آزادیخواه و انسان دوست به این نسل کشی است. میلیونها انسان در اقصی نقاط دنیا و در پایتخت های متحدین اسرائیل روزی نبوده که به خیابان ها نیایند و خواهان پایان دادن به نسل کشی مردم فلسطین و محاکمه جنایتکاران جنگی نشوند. دنیا از این جنایت و قتل عام در شوک رفته است و همان یک ذره توهمشان به دمکراسی های غربی فرو ریخته است.

اما آنچه باعث شگفتی است، عدم حمایت فعال و بی تحرکی رهبران و فعالین جنبش آزادیخواهان و برابری طلب و کارگری ایران در اعلام همبستگی با مردم غزه و محکومیت نسل کشی اسرائیل و دولت های غربی است. انتظار می رفت جنبشی که این چنین با آزادیخواهی و برابری طلبی تنیده است و علیه ارتجاع و

یا در کنار عدالت می ایستیم یا نسل کشی؟ تاریخ قضاوت خواهد کرد!

در دو دهه اخیر صدها صفحه در نقد اسلام نوشته و صدها سخنرانی ایراد شده است؛ جنبش های اسلامی و تروریسم اسلامی بارها و بارها محکوم شده است، دولت های اسلامی به همین منوال. این قطعاً مثبت است. اما حتی یک نقد ناچیز از مذهب یهود یا دولت یهودی اسرائیل بگوش نرسیده است. دولت یهودی اسرائیل فلسطینی ها را با کلام و سمبل های تورات قتل عام می کند و شما هیچ نمی گوید.

این نقض اصولیت و عین ریاکاری است. پرده ها از روی روایت ساختگی و هدف سیاسی – ایدئولوژیک پشت این روایت دریده شده است. نسل کشی در غزه تمام این جنبش ها و نهاد هایی که ماسک انسانیت و ارزش های پیشرو بر صورت داشتند را بعنوان مُتَقَاب افشاء کرد و نشان داد که آنها صرفاً از تروریسم دولتی به رهبری آمریکا تبعیت می کنند، که بمدت بیش از دو دهه میلیون ها نفر را در خاورمیانه قتل عام کرده، میلیون ها نفر دیگر را مجروح و معلول ساخته و میلیون ها نفر را آواره کرده است. بعلاوه، یادمان نرود که تمام این هیولاهای اسلامی که منطقه را می درند، دست ساز آمریکا و غرب اند: از جمهوری اسلامی تا مجاهدین، طالبان، القاعده، حماس و داعش.

اگر بعنوان یک سکولاریست به اصل انسجام و انصاف تعهد داریم، نمی توانیم فقط به یک مذهب و جنبش مذهبی، تند و با حرارت حمله کنیم و دیگری را در سکوت و آرامش رها نماییم. انسان نیازمند است که کمی به عقب برود و به تصویر بزرگ بنگرد تا عمق و کارکرد این روایت دروغین را در ویرانی خاورمیانه در قرن 21 دریابد. انسان های به خاک و خون در غلطیده، خانه ها و شهرهای به تلی از خاک بدل شده بما چشم دوخته اند.

آئر ماجدی - سازمان آزادی زن

هما ارجمند - هماهنگ کننده کمپین بین المللی یک نظام آموزشی سکولار و هماهنگ کننده کمپین بین المللی دادگاه شریعه در کانادا

هلاله طاهری - رئیس بنیاد زن و جامعه

25 ژانویه 2024

لحظاتی در تاریخ هستند که عمل و کلام انسان دورانساز می شود و سکوت آنچنان گوشخراش که قلب و ذهن را به درد می آورد. اکنون در چنین لحظه ای قرار داریم. تمام انسان دوستان، آزادیخواهان، کسانی که به اخلاقیات انسانی پایبندند علیه نسل کشی در غزه صریح و رسا سخن گفته اند و اسرائیل و متحدین غربی آنرا صریحاً محکوم کرده اند؛ اما جنبش سکولار در غرب در بهترین حالت هیچ نگفته و در بدترین حالت فقط از جان اسرائیلی ها دفاع کرده است.

اگر در سالهای 1930 انسان می توانست ادعا کند که از نسل کشی بی اطلاع بوده است، امروز چنین عذری پذیرفته نیست. برای اولین بار در تاریخ، بشریت دارد یک نسل کشی را بطور زنده بر روی صفحه تلفن تماشا می کند. هیچ توجیهی برای سکوت و بی عملی وجود ندارد.

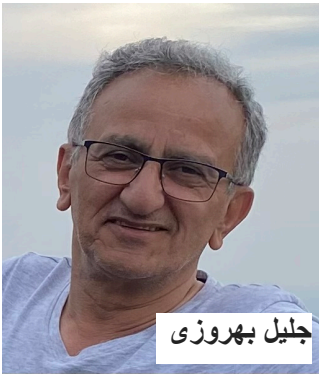
چگونه کسی که مدعیست از "یک دنیای آزادتر و منصفانه تر" دفاع می کند و معتقد است "سکولاریسم یک اصل حیاتی برای تأمین آزادی و حفظ حقوق بشر و یک جامعه باز و منصف است"، می تواند قتل عام کودکان را ببیند و هیچ نگوید. این ریاکاری مُسَلَّم است! آنچنان تیز و زمخت است که هر نوع حجاب مدنیت، انصاف، انسانیت و خرد را می درد.

چگونه کسی که به انصاف، انساندوستی و خرد خود مفتخر است می تواند سکوت اختیار کند؟ در برابر ویرانی یک جامعه، با خاک یکسان شدن بیمارستان ها و ترک نوزدادن زودرس در اینکیوبیتر زیر بمب، و در برابر ویرانی 350 مدرسه و 4 دانشگاه سکوت مطلق اختیار کند؟ سی هزار نفر زیر بمباران و تحت گرسنگی و بی آبی قتل عام شده اند که ده هزار نفر آن کودک اند؛ شرمناک است! با اینکار به پای خود تیر می زنید. هر نوع اعتباری را از دست داده اید.

چگونه می توانید مدعی سکولاریسم منسجم باشید و فقط یک مذهب را مورد نقد و حمله قرار دهید و به دیگری حتی یک کلام ناخوشایند نگویید؟ یک جنبش مذهبی و یک دولت را محکوم کنید و دیگری را به حال خود رها کنید؟ انصافی که به آن مفتخرید چه شد؟ روشن است به چه افقی متعهدید.

دفاع از اسرائیل و امریکا در پوشش صلح طلب

جلیل بهروزی



جلیل بهروزی

اخیرا بیانیه ای با امضا ۳۵۰ نفر از "فعالین مدنی..." در دفاع از صلح بیرون آمده که با عدم برسمیت شناسی دولت اسرائیل و امریکا بعنوان دیگر عاملین بحران در منطقه و یکی از طرفین جنگ و جنگ طلبی و بلطبع با عدم محکوم کردن این دو نیروی دیگر که حتی قبلتر از حاکمیت رژیم اسلامی نقش بسیار تعیین کننده ای در ایجاد بحران، جنگ های ویرانگر و سازماندادهای سرکوب و کشتار داشته اند جز پرچم خجولانه دفاع از این دو نیرو نیست.

سازمان ملل و همه تشکلهای مدافع صلح و حقوق انسانی نه تنها طرفین درگیری را صراحتاً نشان می‌کنند بلکه اساساً حکومت اسرائیل را در این دوره بعنوان نیرویی که درصدد است بحران را به کل منطقه بکشاند محکوم می‌کنند! "دنیا" میدانند که جمهوری اسلامی و جنبش اسلام سیاسی بعنوان یکی از طرفین مخاصمه و دولت امریکا و حکومت اسرائیل بعنوان طرف دیگر آن از دیرباز وارد یک جدال سیاسی بوده که هر از چندگاهی اختلافاتش تا حد نظامیگری انکشاف مییابد و موجبات بی ثباتی و بحران در منطقه میگردد. کسی نیست که نداند که حکومت اسرائیل به همان درجه در جنگ افروزی برای سرپوش گذاشتن به بحران حاد حکومتی خود از یک طرف و برای دور کردن اذهان جهان انساندوست و عدالت خواه از نسل کشی و ویرانی در غزه و ثالثاً برای تقویت حمایت‌های در حال فروریزی دولتهای غربی، ذینفع است که جمهوری اسلامی برای وقت خریدن، ادامه حاکمیت ننگین خود و تشدید سرکوب و کشتار مردم در ایران

اگر می‌خواستند این بیانیه را حتی بعنوان یک سند ضد جنگ عرضه کنند انصاف و درایت حکم میکرد که در درجه اول طرفین جنگ طلب را به دنیا معرفی کنند، اهداف و انگیزه های هر دو طرف را بشمارند و عواقب جنگ را برای مردم هر دو طرف و منطقه نشان دهند و در آخر هر دو طرف قضیه را محکوم میکردند. ولی خواننده این بیانیه همان قدر که متوجه نمیشود که از نظر این جماعت عاملین این جنگ طلبی چه کسانی هستند به همان میزان متوجه تفاوت‌های اساسی بین استدلالات امضا کنندگان این بیانیه با استدلالات طرفداران حمله نظامی به ایران که ظاهراً اینها بر علیه شان هستند، نمی‌شوند! مگر غیر از این است که با اتکا به همین مقدمات و دلایلی که در این بیانیه آمده طرفداران راست و سلطنت طلب حمله نظامی به ایران را نتیجه میگیرند؟

در آخر باید تاکید کرد از آنجایی که این بیانیه کوچکترین اشاره ای به اساس بحران در منطقه در شرایط حاضر، یعنی تهاجم اسرائیل با حمایت همجانبه دولتهای غربی به رهبری امریکا به غزه و کشتار بیرحمانه کودکان، زنان و مردم بی دفاع فلسطین و ویرانی کامل محل زندگی بیش از دو میلیون انسان نداشته بطور قطع راه حل اساسی برای پایان دادن به

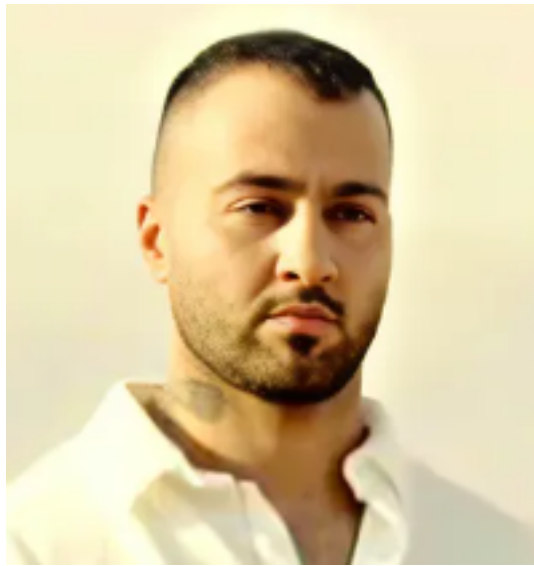
نویسندگان بیانیه چنان وانمود میکنند که گویا نه از سیاست بوی برده اند و نه از سیاست منتج به جنگ! گویا جنگ تنها یک طرف دارد و تنها طرف آن هم رژیم اسلامی، که "نظامی گری در ساختار" آن است. تاکیدی نیست که در چنین بیانیه ای میبایستی تاریخ سیاه دولت امریکا و اسرائیل در ایجاد جنگهای محلی و منطقه ای و کشتارهای میلیونی در ویتنام، کره و در دو دهه گذشته در کزو، عراق، لیبی... و یا جنگهای که اسرائیل بر کشورهای عربی منطقه تحمیل کرده و یا به تاریخ تهاجمات نظامی مستمر آن بر مردم فلسطین پرداخته میشد تا ثابت میکردند که جبهه دیگر این نزاع، از نظامی گری ساختاری برخوردار است یا نه! ولی تحت همان پرچم صلح طلبی که بلند کرده بودند ظاهراً میبایستی به خصلت جنگ طلبی طرف دیگر آن که امریکا و اسرائیل باشد نیز اشاره میشد. ولی نه، بطور عامدا میکوشند که هم امریکا و هم اسرائیل را از زیر ضرب خارج کنند. بیانیه در سطح کلی از مضرات جنگ و درصورت حمله به ایران از خسارات انسانی و زیر ساختی آن صحبت میکند ولی از این که این چه نیرو و یا دولتی است که به چنین عملی دست خواهد زد، اصلاً نامی نمیبرد. گویا اشباحی به ایران حمله خواهند کرد. ولی من غیر مستقیم قبول میکند که از جمهوری اسلامی برنمیاید که بتواند خسارتی جدی به اسرائیل و مردم آن در این جنگی که اساساً خود برپا کننده اش است، وارد کند. بنظر میرسد که نیروی قهاره در این میان قطعاً جمهوری اسلامی نیست. ولی بطور قطع طرف نامعلوم جنگ، همه شیرازهای جامعه ایران را نابود خواهد کرد!! با این تحلیل، منطقی میرسید که بیانیه دهندگان نوک تیز حمله شان را متوجه اسرائیل کنند. ولی نه! چرا که بنا به استدلال نشان جنگ طلبی تنها از جانب رژیم اسلامی است و باید تنها این رژیم را کوبید تا صلح طلب خوانده شد! حتی آنجایی که تلویحاً اذهان میکنند که بیشترین خسارت جانی و زیرساختی شامل مردم ایران خواهد شد حاضر نیستند طرف دیگر جنگ و جنگ طلبی، یعنی اسرائیل و آمریکا را محکوم کنند! و این در حالی است که بخش اعظم کشورهای عضو

بیانیه فعالین مدنی

ما، فعالان مدنی بر این باوریم که گفتمان دموکراسی خواهی با «نه به جنگ» در هم تنیده شده است و این گفتمان هیچ نسبتی با جریان‌های جنگ طلب، چه در جایگاه جمهوری اسلامی و چه در لباس اپوزیسیون ندارد. تجربه‌ی جنگ در منطقه خاورمیانه و آسیای مرکزی، نشان می‌دهد که جنگ، علاوه بر این که جان شهروندان را به خطر می‌اندازد، زیرساخت‌های کشور را نابود می‌کند و راه حل مناسبی برای توسعه پایدار نیست. از این رو حمایت از جنگ با هیچ بهانه‌ای قابل توجیه نیست.

ما امضاکنندگان این بیانیه، ضمن اعتقاد به ضرورت پیشبرد گفتمان صلح در منطقه پر از آتش و خون خاورمیانه، از هر اقدام جمهوری اسلامی ایران که موجب افزایش شعله‌های جنگ در منطقه، سرکوب مردم در داخل و امنیتی کردن بیشتر فضا باشد، شدیداً ابراز نگرانی می‌کنیم و نسبت به رویکردهای جنگ طلبانه سایر دولت‌ها هشدار می‌دهیم. هرگونه تعرض به خاک سرزمینمان، ایران، را به هر بهانه‌ای محکوم می‌کنیم و بر ضرورت آتش بس جنگ غزه و پیشبرد مذاکرات صلح اصرار می‌ورزیم.

در فضایی که سیاست‌های سرکوب داخلی جمهوری اسلامی از یک سو، و سیاست خارجی ناکارآمد و غیردموکراتیک آن از سوی دیگر، کشور را به سوی ویرانی می‌برد، ما بر این عقیده‌ایم که مرزبندی با جنگ طلبی و تاکید بر اراده‌ی شهروندان معترض و استفاده از فضاها برای اعتراض برای فشار به دولت‌ها وظیفه فعالان و کنشگران ضد جنگ است.



با تمام قدرت علیه حکم اعدام توماج باید بپاخاست!

جان توماج این هنرمند و خواننده توده های ستمدیده مردم در ایران با حکم اعدامی که توسط بیدادگاههای اسلامی صادر شده در خطر جدی است. با اعتراضات توده ای و گسترده چه در ایران و چه در سرتاسر دنیا باید مانع اجرای این حکم ددمنشانه شد.

جمهوری اسلامی این ماشین مذهبی سرکوب و کشتار در فضای جنگی که خود و رقیب نژادپرست آن، حکومت اسرائیل بوجود آورده اند، قلاده بریده و موج جدیدی از سرکوبها و اعدامها را آغاز کرده است. جدا از گسترش تهاجم به زنان در خیابانها و اماکن عمومی و دستگیریهای وسیع مخالفین و سرکوب اعتراضات کارگری، می کوشد با براه انداختن چوبه های دار و جوخه های اعدام ضمن انتقام جویی از مردم معترض و زهر چشم گرفتن از نسل انقلابی به حیات ننگین خود تداوم بخشد. ولی مردم تمام محاسبات مذبحخانه اش را دود خواهند کرد. ایران شیلی دوران پینوشه نیست که با اعدام های دسته جمعی و کشتار خوانندگان و هنرمندان متعهدی چون ویکتور خار بتوان آن را به جزیره ثبات تبدیل کرد و نه ایران بعد از سالها ۶۰ است. جمهوری اسلامی در حال بازی با آتش است. مردم هوشیار و در میدانند و از هیچ تلاشی برای خلاصی این هنرمند مبارز خوش نام و سمبل مقاومت نسل جوان کوتاهی نخواهند کرد.

توماج صالحی آزاد باید گردد!
مرک بر حکومت شکنجه و اعدام!
زنده باد آزادی، زنده باد انقلاب!
جلیل بهروزی
۲۷ آوریل ۲۰۲۴

نسل کشی در غزه، جنبش حق زن کجا میایستد؟

کنفرانس "نسل کشی در غزه، جنبش حق زن کجا ایستاده است؟" در تاریخ ۲۳ مارس ۲۰۲۴ بصورت آنلاین با شرکت ۱۲ فعال حقوق زن از کشورهای سوریه، لبنان، ایران، الجزایر، کرانه باختری فلسطین، سوئد، قفقاز، کانادا و فرانسه برگزار شد. این کنفرانس در اساس تلاشی بود در جهت تقویت همبستگی بین المللی جنبش آزادی زن در حمایت از اعتراضات مردم آزادیخواه و عدالت خو در پایان دادن به نسل کشی در غزه. این کنفرانس در عین حال تلاشی بود جهت شکستن دیوار سکوتی که در جنبش سکولاریستی و بعضا جنبش فمینیستی در غرب در قبال جنایات حکومت نژاد پرست اسرائیل و متحدینش، دول غربی به سرکردی آمریکا. سخنرانان این کنفرانس:

اولین آکارد،؛ پروفیسور دانشگاه آمریکایی - لبنانی، بنیانگذار پناهگاه مادران و کودکان بی پناه- ساکن لبنان
هما ارجمند، هماهنگ کننده کمپین جهانی برای یک سیستم آموزشی سکولار، از ایران، ساکن کانادا
شفیا اوترباه، فمینیست لائیک؛ دبیر کل اینسرم ساکن فرانسه
سواد بابا آیسا، فمینیست لائیک، فرانسه؛
اویشا بختی، الجزایر؛
هلاله طاهری، مدیر اجرایی بنیاد زن و جامعه، ایران؛
دالالا عبدال گانی- نویسنده، فلسطین/سوئد؛
بوتینا کاتان خوری، فیلم ساز، فلسطین- ساحل غربی؛
کتو کورتس خالیس، انستیتوی فمینیست قفقاز،
آذر ماجدی، سازمان آزادی زن- ایران؛
ماریا هاگبری، نویسنده و فعال حقوق زن، سوئد

بیانیه کنفرانس

ما نگرانی عمیق خود را نسبت به مصیبت بیش از دو میلیون انسان در غزه، که توسط اسرائیل و با همکاری کامل آمریکا و هیات حاکمه غرب کشتار می شوند و در قحطی و گرسنگی اسیر و گرفتارند، ابراز می کنیم.

ما نسل کشی در غزه را که نزدیک به شش ماه ادامه داشته، قویا محکوم می کنیم. تاکنون بیش از 32 هزار انسان کشته شده که 13 هزار نفر آن کودک اند، هزاران نفر مجروح و ناپدید شده اند. برای اولین بار در تاریخ این نسل کشی بخوبی مستند شده است، از قضا توسط قربانیان آن.

ما خواستار آتش بس فوری و دائمی، کمک های فوری بشر دوستانه، بازگشت آوارگان و بازسازی مناطق ویران شده هستیم. ما در کنار مردم فلسطین ایستاده ایم. ما از همه جنبش ها و سازمان های مترقی، آزادیخواه، برابری طلب در جهان، بویژه سازمان های کارگری و مدافع حقوق زن، می خواهیم که قویا از عدالت و انسانیت و از حق مردم فلسطین دفاع کنند.

این یک لحظه تاریخی است که گفتار و عمل ما حائز اهمیت بسیار است. در دنیای واقعی، سکوت به معنای ایستادن در کنار متجاوز، قاتل و ستمگر است.

در وضعیت وخیمی قرار داریم. دولت ها آزادی های فردی و سیاسی و حقوق مدنی را بشدت مورد حمله قرار داده اند. سانسور هر صدای مخالف، ممنوعیت تظاهرات اعتراضی در غرب به یک امر متداول بدل شده است. دفاع از عدالت بمعنای وسیع کلمه، مسئولیت اجتماعی و اخلاقی هر انسان شریف و با وجدان است. ما جهانیان را فرا می خوانیم تا از حق مردم فلسطین دفاع کنند. حل مساله فلسطین مهمترین و مبرم ترین مساله عصر ماست.

حکومت های غربی، در راس آن آمریکا باید بخاطر وحشگری، شرکت در و حمایت از یک قتل عام، بخاطر دروغ پراکنی و ریاکاری قویا محکوم شوند. دنیا نقاب دروغ و فریب را دریده است.

۲۵ مارس ۲۰۲۴ - ۸ فروردین

امضاء کنندگان:

اولین آکارد، لبنان؛ هما ارجمند، کمپین جهانی برای یک سیستم آموزشی سکولار، ایران؛ شفیا اوترباه، فمینیست لائیک، فرانسه؛ سواد بابا آیسا، فمینیست لائیک، فرانسه؛ اویشا بختی، الجزایر؛ هلاله طاهری، مدیر اجرایی بنیاد زن و جامعه، ایران؛ دالالا عبدال گانی- نویسنده، فلسطین/سوئد؛ بوتینا کاتان خوری، فیلم ساز، فلسطین- ساحل غربی؛ کتو کورتس خالیس، انستیتوی فمینیست قفقاز، آذر ماجدی، سازمان آزادی زن- ایران؛ ماریا هاگبری، نویسنده و فعال حقوق زن، سوئد؛ سوسن لاری سازمان آزادی زن.



منصور حکمت
نوامبر ۲۰۰۰

فلسطین، از استقلال تا آزادی!

رفته است را می‌شناسند و به آن اذعان میکنند. اما این کافی نیست. اسرائیل یک راست قومی و مذهبی بسیار قوی و فعال دارد که مرحله به مرحله و در هر قدم افق یک راه حل انسانی را کور میکند. رابین را اعراب نکشتند، اینها کشتند. این راست باید در یک جدال سیاسی داخلی از طبقه کارگر و سوسیالیسم و ترقی خواهی در این کشور بطور قطع شکست بخورد. این اتفاق هنوز رخ نداده است. بدون این تعیین تکلیف امیدی به صلح پایدار و یک راه حل عادلانه نیست. یک اسرائیل قومی و مذهبی نمیتواند یکسوی یک صلح عادلانه در منطقه باشد. استقلال فلسطین یک گام مهم به جلوست. این گام نه فقط ممکن است، بلکه اکنون دیگر اجتناب ناپذیر شده است. استقلال فلسطین تناسب قوا و چهارچوب تحول سیاسی در منطقه را بهبود میدهد. به نفع امنیت کودک فلسطینی و عابر اسرائیلی است.

اما آزادی مردم فلسطین، خلاصی مردم اسرائیل از جنایاتی که بنامشان میشود و رهایی شان از موقعیت یک ملت ستمگر، خلاصی هر دو سو از تروریسم و نفرتی که قوم‌گرایی و مذهب در هر دو سوی این شکاف دامن میزنند به صرف استقلال فلسطین متحقق نمیشود. آزادی و رهایی در فلسطین و اسرائیل در گرو سوسیالیسم و سکولاریسم در کل منطقه است. در تشکیل کشور و یا کشورهای که در آن مردم مستقل از تعلقات و یا تصورات قومی و ملی و مذهبی خویش، بعنوان شهروندان متساوی الحقوق جامعه برسمیت شناخته شوند. استقلال فلسطین کمک میکند که نبرد طبقاتی در اسرائیل و فلسطین هر دو اوج بگیرد. با استقلال فلسطین منطقه به چپ میچرخد.

دولت اسرائیل همچنان به جنگ ننگینش با کودکان فلسطینی ادامه میدهد. امروز (۱۶ نوامبر) هشت نفر دیگر از جمله یک کودک نه ساله را با گلوله کشتند. و تازه از خشونت فلسطینی ها به آمریکا شکایت میکنند! بیش از ۹۰ درصد از ۲۴۰ قربانی حوادث اخیر فلسطینی اند و بخش اعظم آنها کودکان و نوجوانان اند. این در قاموس هرکس یک جنایت جنگی است. یک نسل کشی است. این نمونه مجسم تروریسم دولتی است. در حالیکه سران دول غربی و سیاستگذاران رسانه ها همچنان به حمایت یکجانبه از اسرائیل و کتمان این حقایق ادامه میدهند، افکار عمومی در غرب و حتی خود خبرنگاران و گزارشگران غربی به نفع فلسطینی ها و علیه دولت اسرائیل میچرخد. بسیج ضد فلسطینی و ضد عرب در غرب پس از پایان جنگ سرد دیگر به صورت قبل ممکن نیست. این شکاف عمیق میان پروپاگاند دولتی و برداشتهای مردم از وقایع جاری فلسطین، دیر یا زود بروز میکند. کودک فلسطینی ای که در راه مدرسه و یا در آغوش پدر زخمی اش جان میدهد، جامعه غربی را با ریاکاری ذاتی آراء حاکم و خطر رسمی رودر رو میکند. جای تردید است که دول غربی بتوانند سالهای بیشتری به این حمایت کور و غیر انتقادی از اسرائیل در مقابل اعراب ادامه بدهند.

در این شک نیست که بخش وسیعی از مردم در اسرائیل خواهان صلح و رابطه ای انسانی و عادلانه با مردم فلسطین اند. در این شک نیست که بخش وسیعی از مردم اسرائیل عمق ظلمی که در این نیم قرن بر مردم فلسطین